

شلاق سرمایه برگرده کارگران

مجید پهلوان

www.majidpahlavan.com

آنها تابلویی آویزان کرده اند که نوشته "من مشکل روانی دارم"! در سری لانکا وبنگلادش دور محدوده کارخانجات که تولید صادراتی دارند اکیدا اعتصاب واعتراض ممنوع است وکارگران سری لانکا هنوز یاد همکار مبارز خود هستند که تلاش دراعتراض وسازماندهی کارگران نمود وروز بعد جسدکنت خورده ومثله شده اورا که سوزانده هم شده بود یافتند (Ranjit Mudiyan Selge). در کره جنوبی هم زنجیران کارگران ایرانی را مقابل دروازه کارخانه هاشلاق میزنند ومقامات باخلق اتهامات واهی و جعلی بزهدکارانه آن را پوشش میدهند.

گویی مدت زمانی است که طبقه کارگر جهانی در مسیر عقب نشینی وروز مرگی وحفظ خود حقیرانه گیر کرده است. وقتی غول های تولیدی وتجاری چون وال مارت ها ظهور نمودند وفوردیسم به قانون روز بدل میشد تدریجا سرمایه بین المللی سیطره خود را نیز بر سایر حوزه هاگسترش داد. بطوریکه اکنون تشخیص انها کارآسانی نیست شبکه ای از تولید وتجارت وتوزیع بهم پیوسته است که پشت تمام اجزا آن را سرمایه مالی میپوشاند ورقابت برای تولیدکار ارزان وسازماندهی کارگران گرسنه راحت تر شده است. وقتی برخی تولیدی های غول آساکار خود را به فیلیپین بردند مقامات چینی باتلاش فراوان سرمایه گذاران را قانع نمودند که با نصف مبلغ پرداختی به کارگر فیلیپینی وهمیشه در اعتصاب میتوانند از کارگر برده گونه چینی سود برند. قوانین حفظ محیط سبز وجود ندارد و نه اتحادیه ای آزاد. مستقل وکارگری در ادبیات سیاسی آن کشور نیامده است! که مجموعه این اقدامات که با چراغ سبز کاخ سفید ومقامات سیاسی ایالات متحده امریکا همراه است چینی ها را تاآنجا مطمئن نمود که آنها واژه China Chill را مطرح نمودند. تمرکز سرمایه وتولیدات وامکان انباشت در چین سبب شد که جامعه غربی آغاز به باج دادن به آنها نمایند واعتراض وافشاکاری علیه مقامات چین اوضاع کارگران واوضاع نقض حقوق بشر و وضع آلودگی محیط زیست یک تابو شد وارباب رسانه های غرب طالب آن نشدند (نگاه کنید به کتاب ناٹومی کلاین بنام No Logo). کتاب ۵۰۰ صفحه ای شرح مبسوطی در این زمینه برای شما دارد وشرحی بر China Chill به همچنین.

این عقب نشینی اردوی کار تا کجا طول میکشد. چگونه میشود که جامعه جهانی سرمایه وبازوهای آن چون ILO وبا حمایت بانک جهانی و... به تاخت وتازی این چنین وچشم پوشی از این همه اجحاف وبواقع قلع وقمع جهانی ادامه میدهند. که شلاق زدن کارگران آق دره پیرو گلوله باران کارگران خاتون آباد آمد. گویی تروریستها هیچگونه وحشتی از نتایج کار خود ندارند وجهان در تاید سببیت آنهاست. تقسیم کار بین المللی وطراحی تولید وتوزیع چنان است که صفوف ارتش بیکاران هرساله طولانی تر شده است ودیگر کمتر اعتصابی را در جهان پیرامونی اجازه میدهند تا به اعتصاب شکنی احتیاج باشد! آنچه که آمد تنها شمایی بسیار ناچیز از تصویری کلی تر است بنام سرکوب کارگران که در هر نقطه از جهان به طریقی دنبال میشود. ولی آنچه که آشکار است لزوم همبستگی جنبش کارگری با سایر ابعاد و گوشه های اجتماع معترض است وگویی چراغ جادویی در این زمینه باشد وآن هم برنامه عملی واتحاد جنبش های رادیکال وانقلابی کارگران وسایرین چون دانشجویان معلمین و زنان بیکاران و... این نیاز را دیگران هم بارها ایراد کرده اند ولی قدم های عملی ومشهود هنوز دیده نمیشود. گویی بحران سرمایه داری این بار سخت گریبان قربانیان خود را نیز گرفته باشد. اینجاست که جدا باید گفت جنبش های انقلابی هرگز بدون دخالت گری عملی وانقلابی نمیتوانند به کنترل اوضاع بپردازد. که مبارزات شاهرخ های زمانی وجعفر ورضاها باید در مسیر همکاری واتحاد انقلابی با سایرین ودر گستره تشکیلات انقلابی وآماده خطر کردن باشد. که زمانه ای است انتقالی وشکی نیست

در قرن ۲۱ میلادی ودر میهن ما مقامات مسئول حکومت بر بربیت ۱۷ کارگر معترض معدن آق دره را به جرم تلاش برای کسب حق وحقوق خود واعتراض به نابسامانیهای اوضاع کار ودر نتیجه وضع معیشتی خود دستگیر ومحاکمه و شلاق زدند! تمام حرف جعفر عظیم زاده های جهانی، کارگران مبارز همین است که مبارزه برای کسب حق وحقوق ودست رنج کارگران ما را نباید به حوزه مسایل واتهامات امنیتی کشاند. نباید به منظور ادامه فضای خفقان وچشمک زدن به سرمایه گذاران احتمالی وبه منظور جلوگیری از اندیشه مقاومت میان مردم، کارگران را شکنجه ومحکوم به زندانهای طولانی مدت کرد. این بحث پژواک خود را به سراسر جهان کار میسرساند آنجائیکه هم زنجیران جعفر وهمبندان انها جار میزنند که تلاش برای نان و مسکن کار و آزادی حق کارگران است و باید مطالبات خود را از مجرای تاسیسات طبقاتی ونهادهای غیر دولتی وآزاد پیگیری نمایند. انجا که جاهلیت وسببیت سرمایه برای خود پلیس وارتش ودادگاه وشکنجه گاه دارد ومسلحانه مقابل کارگران گرسنه صف آرای کرده اند. نگاهی کنیم به هم زنجیران کارگران ایرانی در سطح بین المللی.

از اواسط دهه ۶۰ میلادی وقرن بیستم وبه منظور انباشت سرمایه نجومی سرمایه داران ومقابله با اتحادیه ها وسندیکاهای کارگران امریکایی شمالی، ارباب سرمایه تولیدات خود را به جهان جنوب کشاند و با تقسیم مسئولیت های طراحی شده اقدام به تولید پراکنده نمودند. برای نخستین بار بزرگترین شرکت های تولیدی کفش ولباس کار خود را به متحدین سپردند وبازار امریکا مملو شد از تولیدات مشهور آن کشور ها که در حقیقت تولید شده شرق دور وآسیای جنوب شرقی بود. به موازات این اقدام بی سابقه سرمایه مالی متوجه امریکای لاتین واز ابتدای دهه ۸۰ تاخت وتاز خود را به سمت کشور چین کره وتایوان فیلیپین وبنگلادش و... برد. یک محصول در چند مرحله و قطعات مختلف ودر کشورهای متعدد تولید شد. آنجائیکه تولید کفش های Converse و آل استار آن از امریکا خارج شد. کارگر امریکایی که با ساعتی ۱۰ دلار آن را تولید میکرد بیکار شد تا کارگران چین با ساعتی ۸۷ سنت آن را تولید کنند! که کورپوریشن های تولیدی اکیدا صاحب کارخانه های تولید کننده نیستند!

طوفانی از تولیدات مصرفی نصیب کشورهای مذکور شد. کشورهایی که کارگران اجازه داشتن اتحادیه آزاد ومستقل ندارند. کشورهایی که کارگران مهاجر (از استانهای داخلی) را در بیغوله های جنب کارخانه ها مسکن میدهند وغذای بخور نمیر برایشان فراهم میکنند. آنها ساعتی ۸۷ سنت حقوق میگیرند (در چین). برای زهر چشم گرفتن از فعالین کارگری اینجا انجا روی دیوارها وتابلوها هشدار میدهند که به حرف خرابکاران و مشکل سازان توجه نکنید! آنجا که روزانه برخی کارگران معترض رابا کلاه بوقی مقابل ورودی کارخانه ها قرار میدهند وروی سینه

که گاه تعرض و تلاش فرا میرسد و عدم آمادگی ما مجددا تجربه ای خواهد بود تلخ تر از گذشته. برای جلوگیری از این احتمال، گویی کوتاه ترین و ممکن ترین راه، هرچه نزدیک تر نمودن اقدامات تعرضی کارگران با ابتکارات اعتراضی و تشکلات سایر بخشهای جنبش اجتماعی نوین است. هر قدم در راه همبستگی جنبش کارگران و زنان و دانشجویان، معلمین و بیکاران، بی خانمانان و غیره و آنهم در چهارچوب همکاریهای انقلابی تشکلات زحمتکشان، پرش عظیمی است روبه جلو در جهت آمادگی برای مواجهه با موقعیت انقلابی و تعرضی مردم.

